

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه موافقتنامه استرداد مجرمان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و
دولت جمهوری اسلامی افغانستان»

مقدمه

حقوق کیفری یکی از ابزارهایی است که دارای کارکردی فردی - اجتماعی است. در سطح فردی ایجاد عدالت از یکسو و باز اجتماعی کردن مجرم از سوی دیگر مورد نظر است و در سطح اجتماعی، کارکرد امنیت‌محور مورد توجه قرار گرفته است. از این رو یکی از دغدغه‌های اصلی هر دولتی محسوب می‌گردد. بر این اساس برای بالا بردن میزان تأمین اهداف فوق‌الذکر، همکاری و معاضدت در امور کیفری در دستور کار دولت‌ها قرار می‌گیرد. قدیمی‌ترین شیوه این همکاری انعقاد معاهدات استرداد مجرمین می‌باشند که در ایران قدمتی ۸۷ ساله دارد^۱ و تعداد نسبتاً زیادی از آنها تاکنون منعقد گردیده‌اند. این موافقتنامه‌ها در کنار قانون راجع به استرداد مجرمین که به شرط معامله متقابل اجرا می‌گردد، چارچوب اصلی نظام حقوقی ایران را در این خصوص تشکیل می‌دهند. موافقتنامه پیش‌رو نیز یکی از انواع این موافقتنامه‌هاست که به نظر می‌رسد بر اساس الگوی نسبتاً ثابتی تنظیم می‌گردند. این موافقتنامه در کنار دستاوردهای مثبت آن خالی از ایراد و انتقاد نمی‌باشد. اما به هر حال داشتن همین موافقتنامه با کشوری که مهاجران آن تا مدت‌ها در این کشور بوده‌اند، خود گامی مثبت ارزیابی می‌شود.

آثار لایحه

انعقاد چنین موافقتنامه‌ای می‌تواند استرداد مجرمان و محکومان را تسریع نماید. از شرایط موافقتنامه‌های استرداد آن است که اتباع طرف درخواست (استرداد) شونده را شامل نمی‌گردد. به نظر می‌رسد آنچه در مورد کشور افغانستان می‌باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد، زمینه‌سازی برای استرداد و یا حداقل محاکمه و مجازات اتباع این کشور است که جرم یا جرائمی را در ایران مرتکب شده‌اند و اکنون در ایران حضور ندارند. موضوع قاچاق مواد مخدر یکی از جرائمی است که در مرزهای شرقی توسط اتباع این کشور ارتکاب می‌یابد.

در عمل راه‌حلی که در معاهدات استرداد برای مسئله جرائم ارتكابی توسط اتباع طرف معاهده در نظر گرفته می‌شود این است که عدم استرداد اتباع را منوط به محاکمه و مجازات آنها در محاکم ملی می‌نمایند و از طریق معاهده استرداد تعهدی بین‌المللی در محاکمه اتباع، برعهده کشور متبوع قرار می‌گیرد. البته این خلأ را شاید بتوان با قاعده «محاکمه کن و یا استرداد کن» جبران نمود. اما اولاً این قاعده محدودیت‌ها و شرایط خاص خود را دارد و به‌سختی بتوان آن را در این مورد اعمال نمود و ثانیاً این قاعده با وجود آنکه در چندین پرونده از جمله در دعوی بلژیک - سنگال مورد استناد قرار گرفته است، هنوز نتوانسته است جایگاهی عرفی در حقوق بین‌الملل پیدا نماید و با توجه به دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری^۲ در پرونده اخیرالذکر به نظر نمی‌رسد چنین جایگاهی پیدا نماید. علاوه بر این، قاعده محاکمه کن یا استرداد کن نظر مثبت کشورهای در حال توسعه را به خود جلب نکرده است. لذا در پیش گرفتن راه‌حل فوق‌الذکر یعنی، گنجاندن ماده‌ای دربر دارنده تعهد به محاکمه و مجازات در موافقتنامه استرداد اولویت دارد، که در موافقتنامه فوق دیده نمی‌شود. البته ماده (۹) موافقتنامه همین موضوع را به‌طور کلی مورد توجه قرار داده است و محاکمه در صورت امتناع از استرداد را با قید «می‌تواند» به صلاحیت کشور مقابل واگذار کرده است که لازم است در این مورد خاص یعنی استرداد اتباع، تعهد به محاکمه گنجانده شود.^۳

نام دفتر:

مطالعات حقوقی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۹۹۰۴-۱

تاریخ انتشار:

۱۳۸۸/۸/۱۸

۱. در سال ۱۳۰۱ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق منعقد گردید.

2. International Court of Justice

۳. ماده (۱۹) موافقتنامه همکاری قضایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان نیز به این مسئله توجه داشته است که محدودیت‌های خاص خود را دارد و اجرای آن همواره ممکن نیست.

پذیرش یا رد لایحه

با توجه به مراتب فوق و با توجه به لزوم اصلاحات، پیشنهاد می‌گردد لایحه فوق مورد تصویب قرار گیرد.

ارزیابی مواد لایحه

۱. ماده (۱) این موافقتنامه بیان می‌دارد: «هریک از طرفین متعاهدین متعهد می‌شوند که حسب تقاضای طرف متعاهد دیگر اشخاصی را که از طرف مقامات صلاحیتدار طرف متعاهد درخواست‌کننده به‌لحاظ ارتکاب جرم یا برای اجرای مجازات تحت پیگرد بوده و در قلمرو وی یافت می‌شوند؛ به طرف متعاهد دیگر مسترد دارد». با وجود آنکه به‌نظر می‌رسد، تعهد موضوع این ماده باید در کنار سایر مواد موافقتنامه دیده شود، اما در این ماده، آن‌گونه که معمول است^۱ اشاره‌ای به قید «با رعایت مواد این موافقتنامه» نگردیده است، جمله‌ای که بار و اثر حقوقی دارد و در حل اختلافات، احتمال تفسیر ماده به‌نحوی که تعهد مطلق بر طرفین بار شده است را از بین می‌برد. البته با توجه به اینکه لایحه مورد نظر، موافقتنامه‌ای دوجانبه است، ایجاد تغییر در آن مستلزم مذاکره مجدد می‌باشد که راهی طولانی تلقی می‌گردد و اصل موافقتنامه را زیر سؤال می‌برد.

۲. ماده (۲) موافقتنامه از دو قسمت تشکیل شده است که به بیان موارد استرداد می‌پردازد. بند «الف» در بیان موردی که اتهام ارتکاب جرم وارد شده، دو شرط قائل گردیده است: ۱. جرم بودن عمل براساس قانون هر دو طرف متعاهد، ۲. داشتن حداکثر مجازات یک سال حبس. این بند از آن جهت ناقص است که هیچ اشاره‌ای به مجازات‌های سنگین‌تر نمی‌نماید و جای این پرسش را باقی می‌گذارد که اگر مجازات جرم اتهامی، مجازاتی مثل اعدام و یا قصاص باشد، آیا استرداد امکانپذیر است؟!

۳. در بند «ب» ماده (۲) استرداد محکومان مورد توجه قرار گرفته است. این بند حداقل محکومیت مشخصی را برای استرداد بیان داشته است تا مشابه مورد بالا فقط موارد مهم مورد تقاضای استرداد قرار گیرند. اما اشکال آن، آوردن قید میزان مجازات است که اساساً مربوط به موضوع نیست. براین اساس جمله «مجازات جرم ارتکابی از مدت مذکور در بند «الف» این ماده بیشتر نباشد» زائد است و می‌تواند حذف گردد.

۴. ماده (۳) به بیان موارد امتناع از استرداد می‌پردازد. بند «۱» بیان می‌دارد: «شخصی که استرداد او تقاضا شده است در زمان ارتکاب جرم، تبعه طرف متعاهد درخواست‌شونده باشد» در مورد ایرادات وارد بر این بند در بالا (در قسمت آثار لایحه) بحث صورت گرفت. به جهت جلوگیری از تکرار مطلب و با تأکید بر اینکه مسئله عمده‌تأ اتباع افغانستان هستند که در ایران مرتکب جرم یا جرائمی می‌شوند، در موضوع استرداد مجرمین هیچ‌گاه استرداد اتباع پذیرفته نشده است و حتی قطعنامه شورای امنیت در مورد استرداد اتباع (پرونده لاکربی) و رأی صادره توسط دیوان دادگستری بین‌المللی در مورد اجرای قطعنامه شورای امنیت که براساس فصل هفتم منشور صادر شده بود، مورد انتقاد قرار گرفت. اما راهکار در نظر گرفته شده برای اجرای عدالت و جلوگیری از بی‌کیفر مانی در این موارد، ایجاد تعهد برای کشور متبوع در محاکمه و مجازات فرد متهم می‌باشد که در این موافقتنامه مورد لحاظ قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

رفع ایرادات فوق با توجه به اینکه موافقتنامه دوجانبه بوده و اصلاح آن مستلزم مذاکره مجدد است، بسیار طولانی می‌گردد و به صلاح نمی‌باشد؛ اما لازم است در انعقاد موافقتنامه‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به مراتب فوق پیشنهاد می‌گردد که لایحه با حذف موارد فوق‌الذکر مورد تصویب قرار گیرد.

1. Revised Manuals on the Model Treaty on Extradition, UNDOG, 2002, p. 7.